

# جامعه آرمانی و تفاوت در روش های برنامه ریزی فرهنگی

## نویسندگان:

دکتر علیرضا علی احمدی

دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران

مهندس علیرضا توکلی

کارشناس ارشد مهندسی سیستم های اقتصادی - اجتماعی

## مدیریت فردا

فصلنامه

اطلاع رسانی، آموزشی و پژوهشی  
پاییز و زمستان ۸۴

### چکیده

هدف از برنامه ریزی نزدیک شدن به وضعیت مطلوب است. از دید فلسفه اسلامی خلق جهان حکمت و غایتی دارد که همه چیز به سوی آن سیر می کند. غایت و کمال خلقت نسبت به زمان و مکان ثابت بوده و تحت تأثیر زمان و مکان متحول نمی شود. در ادبیات رایج توسعه این غایت، جامعه آرمانی و یا وضعیت مطلوب نامیده می شود. برای حرکت به سمت وضعیت مطلوب نیازمند مقصدهای کوتاه مدت تر و قابل دستیابی هستیم که از آن به وضعیت مناسب تعبیر می شود. برای شناخت وضعیت مطلوب و ترسیم شفاف جامعه آرمانی نیاز به شاخص هایی است که بصورت جزئی تر تکامل و سعادت انسان در ابعاد مختلف حیات را نشان دهد. طراحی و تنظیم دقیق مسیر حرکت (استراتژی) مستلزم استفاده از این شاخص هاست که جلوه و معرف وضعیت مطلوب و اصول حاکم بر آن می باشد. با توجه به وضعیت مناسب و اصول حاکم و فضای محیطی، استراتژی حرکت تبیین می شود و متولیان اداره امور و برنامه ریزان با ایجاد بهترین سیاست ها و روش ها و اعمال کاراترین تخصیص منابع، بهترین مسیر را انتخاب نموده و بدین ترتیب برنامه مطلوب را تنظیم می نمایند. در تجربه برنامه ریزی پس از انقلاب مشاهده شد که در مقدمه و اهداف کلان در باره جامعه آرمانی، مباحثی طرح شده است ولی در روش برنامه ریزی، برای رسیدن به این وضعیت مناسب عملاً از تئوری های رایج اقتصادی استفاده شده است.

### مقدمه

عنصر مشترک همه برنامه های توسعه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور این بوده که پارامترهای حاکم بر این برنامه، پارامترهای مسلط اقتصادی هر دوره بوده است، در اغلب موارد حتی مدل های توسعه نیز خصلت وارداتی داشته و در بهترین حالت، فقط جرح و تعدیل هایی در زمینه منابع و مصارف ارزی و ریالی در آنها انجام می شده و درباره جهت گیریها و رابطه آن با واقعیت ها و شرایط محیطی و آرمان های جامعه به هیچ وجه، توجه جدی و کار بنیادی صورت نمی گرفته است.

رهبری انقلاب اسلامی با انگیزه الهی و حاکمیت ارزش های اسلامی، انسجام ملت ایران را با محوریت اعتقادات مذهبی، رقم زد. در دوران جنگ تحمیلی، این باور در عمل میوه داد و صحنه های تابناک و درخشان تاریخ انقلاب اسلامی را رقم زد. بعد از فراغت از جنگ، تدوین برنامه های توسعه، مد نظر قرار گرفت ولی فرصت کافی و شاید توجه لازم برای تدوین روش های برنامه ریزی متناسب با آرمان های جامعه اسلامی و واقعیت های کشور ایجاد نشد. در این مقاله سعی شده است اهمیت این موضوع تبیین گردد.

## ۱. ارکان برنامه ریزی

ارکان برنامه ریزی در ادبیات برنامه ریزی و ادبیات رایج در فلسفه اسلامی با الفاظ مختلفی مطرح می شوند. در جدول شماره یک تناظر عنوان های بکار رفته درج شده است، در ذیل هر یک از ارکان به اجمال توضیح داده می شوند:

وضعیت مطلوب: بر اساس بینش و تحلیلی که نسبت به جهان هستی ( دنیا / آخرت / طبیعت / ما بعد الطبیعه )، اداره جامعه (تعیین سیاست، تنظیم امور، اجرای عملیات) و رفتار انسان (تعلقات، ادراکات، رفتار) وجود دارد، سعادت انسان و جامعه آرمانی در جوامع مختلف ترسیم می گردد. از دید فلسفه اسلامی خلق جهان حکمت و غایتی دارد که همه چیز به سوی آن سیر می کند. غایت و کمال خلقت فارغ از زمان و مکان بوده و تحت تأثیر تغییرات زمان و مکان متحول نمی شود.

وضعیت مناسب: برای حرکت به سمت وضعیت مطلوب نیازمند مقصد های کوتاه مدت و قابل دستیابی هستیم که از آن به وضعیت مناسب تعبیر می شود.

وضعیت موجود: شناخت وضعیت موجود در تعیین مقاصد بین راهی (وضعیت مناسب) و استراتژی حرکت، نقش عمده ای ایفا می کند.

اصول حاکم و استراتژی: اصول حاکم، نشان دهنده چارچوب کلی حرکت و فرای زمان و مکان بوده و از تغییرات زمان و مکان متأثر نمی شود ولی استراتژی در حوزه زمان و مکان بوده و بنا بر شرایط و بستر حرکت و مصلحت مجموعه قابل تغییر است. استراتژی حرکت با توجه به وضعیت موجود و وضعیت مناسب و اصول حاکم و فضای محیطی تبیین می شود.

وضعیت مورد انتظار: پیش بینی وضعیتی که از به حال خود گذاشتن وضعیت موجود در گذر زمان حاصل می شود ( ادامه روند موجود) وضعیت مورد انتظار نامیده می شود.

شاخص: برای شناخت وضعیت مطلوب و ترسیم شفاف جامعه آرمانی، نیاز به شاخص هایی است که بصورت جزئی تر تکامل و سعادت انسان در ابعاد مختلف حیات را نشان می دهد. طراحی و تنظیم دقیق جهت و مسیر حرکت (استراتژی) مستلزم استفاده از این شاخص هاست که جلوه و معرف وضعیت مطلوب و اصول حاکم بر آن باشد. در واقع باید شاخص ها مبین نکات اساسی و ویژگی های برجسته باشند تا بدین ترتیب دوری و نزدیکی وضعیت مطلوب یا وضعیت مناسب قابل اندازه گیری باشد.

فضای محیطی (شرایط، تهدیدها، فرصت ها و ...): وضعیت و کیفیت فضای محیطی بر استراتژی حرکت، شکل گیری و تنظیم و اجرای برنامه احاطه دارد به طوری که می توان گفت هر برنامه در محیطی جریان می یابد و تحقق هر برنامه، خود فضای جدیدی را فراهم می کند که بستر برنامه های بعدی است.

شکاف: حرکت از وضعیت موجود به وضعیت مناسب، مستلزم وجود فاصله و تفاوتی بین این دو وضعیت است که آنرا مسافت یا شکاف می نامیم.

برنامه: مسیر حرکت یا برنامه، بیانگر کیفیت انتقال از «وضعیت موجود» به «وضعیت مناسب» در راستای نیل به وضعیت مطلوب است و در ادبیات برنامه ریزی عناوینی از قبیل سیاست، خط مشی، روش ها و مقررات و رویه ها را شامل می شود.

متولیان اداره امور و برنامه ریزان باید با اتخاذ بهترین سیاست ها و روش ها و اعمال بهترین و کاراترین تخصیص منابع، بهترین مسیر را انتخاب نموده و بدین ترتیب برنامه مطلوب را تنظیم نماید. در شکل شماره ۱: شمای کلی ارکان برنامه ریزی ترسیم گردیده است. {۱}

ادبیات فلسفی	ادبیات برنامه ریزی
غایت	وضعیت مطلوب
جهت	اصول حاکم و استراتژی
مبدأ	وضعیت موجود
مقصد	وضعیت مناسب
مدار	شاخص
مسافت	شکاف
بستر	فضای محیطی
مسیر	برنامه

جدول شماره ۱: تناظر عنوان ها رایج در ادبیات برنامه ریزی و فلسفی

## ۲. روش های برنامه ریزی در برنامه اول توسعه

معاونت امور اقتصادی سازمان برنامه و بودجه در گزارش «روش های برنامه ریزی در برنامه اول توسعه» {۲} محورهای اصلی فعالیت های پیش بینی شده برای تدوین برنامه اول توسعه را این چنین بیان می کند:

مراحل تدوین برنامه اول توسعه به شرح زیر است:

الف: ارزیابی برنامه پنج ساله ۱۳۶۶-۱۳۶۲ از سه دیدگاه اساسی زیر: (۱) سیاستها و خط مشی های اساسی برنامه (۲)

اهداف مالی و کم و کیف تحقق آن (۳) اهداف فیزیکی و عملکرد برنامه

ب: تهیه چشم انداز ده ساله اقتصاد کشور

پ: تدوین استراتژی توسعه و ارائه برنامه کلان توسعه

ت: تهیه و اجرای مدل کلان برنامه توسعه اول

ث: سایر اقدامات

برای تدوین مدل کلان برنامه اول توسعه اقتصادی کشور از

مدل اقتصاد سنجی سه شکافه ( Three Gaps ) استفاده شده

است که در آن سه تعادل اصلی یک نظام اقتصادی یعنی (۱)

تعادل سرمایه گذاری - پس انداز (۲) تعادل تراز پرداخت های

خارجی (۳) تعادل بودجه دولت، مورد بررسی و ارزیابی قرار

گرفته است. این مدل از پنج بخش اصلی تشکیل شده است: (۱)

بخش تولید (۲) بخش دولت (۳) بخش پول (۴) بخش هزینه های

مصرفی و سرمایه گذاری (۵) بخش تجارت خارجی

در طراحی مدل مزبور، مراحل ساخت و سیاست گذاری

مدل از یکدیگر تفکیک شده و در مرحله ساخت آن، با استفاده

از داده های آماری سالهای ۱۳۶۴-۱۳۳۸ عملکرد اقتصادی بخش

های مختلف فعالیت در سطح کلان مورد ارزیابی قرار گرفته است

و در مرحله سیاست گذاری با توجه به ارزیابی ادامه روند موجود،

متغیرهای کلان اقتصادی با انتخاب گزینه های مختلف در

چارچوب اهداف تعیین شده، روندهای مطلوب مورد بررسی قرار

گرفته است.

سیستم مزبور دارای ۳۸ متغیر برونزا، ۱۵۰ متغیر درونزا و

۱۵۰ معادله است که ۸۵ معادله آن رفتاری و ۶۵ معادله دیگر آن

به صورت اتحاد می باشد و برای تدوین نظام برنامه ریزی و

سازماندهی و استقرار برنامه ۵ساله اول کشور، اهم اقدامات

انجام گرفته را می توان به شرح زیر خلاصه نمود.

۱. تدوین برنامه ریزی و سازمان آن

۲. تهیه و تنظیم آیین نامه نظام برنامه ریزی

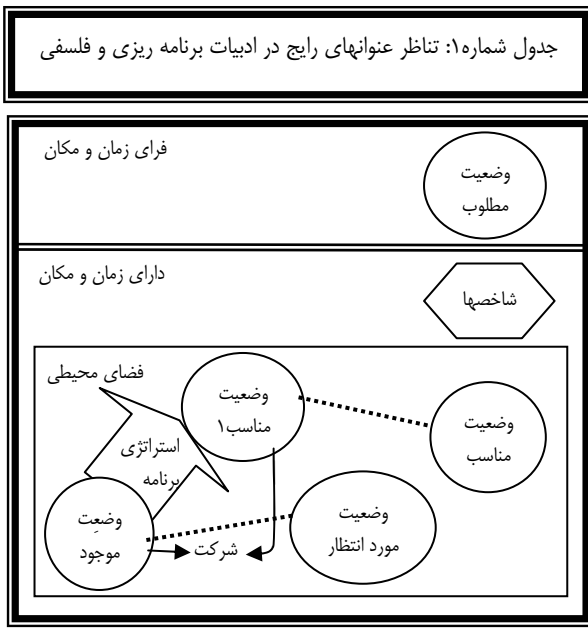
۳. تشکیل شوراها و شروع فعالیت رسمی کار نظام

۴. تدوین سرخط فعالیتهای مربوط به تدوین برنامه های

بخشی

۵. تشکیل نظام برنامه ریزی (سایه) در داخل سازمان

برنامه و بودجه



۶. تدوین برنامه ریزی و سازمان آن

۷. تهیه و تنظیم آیین نامه نظام برنامه ریزی

۸. تشکیل شوراها و شروع فعالیت رسمی کار نظام

۹. تدوین سرخط فعالیتهای مربوط به تدوین برنامه های

بخشی

۱۰. تشکیل نظام برنامه ریزی (سایه) در داخل سازمان

برنامه و بودجه

با توجه به اینکه فضای فکری حاکم بر تدوین برنامه چهارم نیز

همانند برنامه های قبلی نه تنها نگاهی به درون نداشته حتی

نجات کشور را در حل شدن در نظام سلطه جهانی می داند، این

مقاله را که قبلاً در راستای نقد روش برنامه ریزی اول به رشته

تحریر در آورده بودیم، مجدداً برای تذکر در این مقطع زمانی

ارائه می نمایم.

### ۳. تضاد و یا تناظر وضعیت مطلوب و مناسب جامعه اسلامی

#### با تمدن غالب جهانی و وابستگی روشهای برنامه ریزی

#### مورد استفاده به غایت

تئوری ها و اندیشه های مشهور در علوم انسانی در جهان،

عمدتاً تحت تأثیر فرهنگ و تمدن غربی است که بر فضای علمی

حاکم سنگینی می کند. بررسی غایت تمدن غربی (اتو پیا یا

بهشت زمینی) و مبانی فکری برگرفته از آن و مقایسه آن با

غایت و اصول حاکم بر جامعه اسلامی و توجه به ارتباط آن با

برنامه ریزی توسعه ، در تدوین روش برنامه ریزی مناسب ، کمک بسیاری خواهد کرد. در ذیل تفاوت‌های اساسی جامعه آرمانی اسلام و بهشت زمینی تمدن غربی و وابستگی روش های برنامه ریزی مورد استفاده به آنها تبیین می گردد :

### ۱.۳. تقابل مفهوم توسعه در تمدن غربی با مفهوم تکامل

#### و تعالی در اسلام

منظور از توسعه در جهان امروز ، توسعه اقتصادی با اصالت دادن به رشد اقتصادی و غلبه اقتصاد بر سایر وجوه و حیات بشری برای ارضای غرایز و تمتع هر چه بیشتر از لذایذ است . ( این رویکرد زایده « ماده گرایی » و « نسیان حق » است ) اگر گاهی سخن از توسعه فرهنگی به میان می آید ، مقصود آن فرهنگی است که در خدمت توسعه اقتصادی قرار دارد ، چنانچه وقتی سخن از آموزش نیز گفته می شود . منظور ، آموزش روشها و ابزارهای توسعه در همان وجه خاص است . در حالیکه مفهوم تکامل و تعالی در قرآن به ابعاد روحی و معنوی بشر اصالت می دهد و این تکامل روحانی ضرورتاً با توسعه مادی بشر ملازم نیست ، بلکه بر عکس ثروت و استقلال در قناعت است و صحت در اعتدال و پرهیز از تمتع ( به معنی قرآنی آن ) و تعالی در از خود گذشتگی و ایثار و سلامت نفس در غلبه بر امیال نفسانی و شهوات نفس اماره می باشد . ( ۴ )

بررسی روش های برنامه ریزی در سازمان برنامه و بودجه ، حاکمیت منطق اقتصادی را که متأثر از غایت تمدن غربی است نشان می دهد . به عنوان شاهد مثال در کتاب کالبد شناسی یک برنامه توسعه چنین آمده است :

به اعتبار تئوری های رایج توسعه ، مسایل مربوط به توسعه ، هنوز هم اغلب اقتصادی محض دیده می شوند در حالی که همچنان که در بحث روند متحول مفهوم توسعه بحث کرده ایم ، اگر بخواهیم سایر جنبه ها را نادیده بگیریم ، پدیده هایی مانند بحران مشروعیت ، بحران وابستگی و از این قبیل بطور طبیعی به سراغ ما خواهند آمد . یعنی مسایلی که گر چه در حوزه ابعاد اجتماعی و فرهنگی توسعه مطرح است اما آثار تعیین کننده ای حتی در بر روی عملکرد اقتصادی یک کشور دارند ، علی رغم اینکه در کشورهای توسعه نیافته بنابر تقلید از آنچه که به عنوان تصحیح و تکمیل دیدگاه اقتصادی محض در توسعه مطرح شده . برنامه های توسعه عنوان ها و پسوندهای فرهنگی و

اجتماعی را هم در کنار عنوان اقتصادی به همراه دارند ، اما در عمل همچنان منطق مسلط در برنامه ها ، منطق اقتصادی است . در خود منطق اقتصادی هم ، اگر بخواهیم عمیق تر وارد شویم ملاحظه می شود که چون ما مصرف کننده محصولات فکری دیگران هستیم ، حتی نمی توانیم درک کافی از جنبه اقتصادی هم بدست آوریم که خود ابعاد پیچیده تری را از این جنبه ایجاد می کند . ( ۳ )

### ۲.۳. مفهوم توسعه اقتصادی در تمدن غربی و نظام

#### اعتقادی اسلام

در غرب معیار توسعه اقتصادی رشد اقتصادی ، در آمد سرانه و مصرف است و در این رویکرد سرمایه ، سود و جستجو و تکاثر ثروت اصالت دارد . اما در نظام اعتقادی اسلام وظیفه اصلی حکومت ، تزکیه و تعلیم اجتماع و برنامه ریزی برای رشد و تعالی روحانی بشر به سوی خداست و اصالتاً باید به ابعاد معنوی و روحانی وجود بشر توجه پیدا کند و چون فقر و فقدان عدالت اجتماعی مانعی عظیم در برابر این هدف اصلی است . تبعاً به از بین بردن فقر و سایر موانع می پردازد و بطور موازی در جهت تکامل و تعالی معنوی جامعه برنامه ریزی می کند بنابراین آموزش و فرهنگ در خدمت تکاثر ثروت قرار نمی گیرد بلکه مبارزه با فقر در خدمت اعتلای معنوی و فرهنگی است .

طبیعی است ، مدلی که از تئوری های رایج اقتصادی و پارامترهای مشهور اقتصادی استفاده می کند و هدف را مقدار مطلوب این متغیرها در این فضای فکری می بیند در بر آورده کردن خواسته های ارزشی توسعه اقتصادی عاجز است . علاوه بر این اگر ما در تدارک تنظیم برنامه کلان توسعه اقتصادی ، فرهنگی و اجتماعی برای یک دوره پنج ساله در آینده هستیم نمی توانیم با انتخاب « رشد تولید ناخالص ملی » به عنوان هدف محوری ، تکلیف زیر بخش های اقتصاد را در مرحله اول و سپس بر طفیل آنها تکلیف زیر بخش های فرهنگ را مشخص کنیم که اگر چنین شد فرهنگ ما به تبع اقتصاد ما شکل خواهد گرفت ، یعنی در غایت ، دین ما متأثر از اقتصاد ما خواهد شد و به بیانی توسعه تکنولوژی زمینه ساز توسعه دین خواهد گردید و طبیعتاً دین که از طریق تکنولوژی مادی جهان امروز بخواهد توسعه یابد ، محکوم احکام علوم و تکنولوژی مصنوع بشری خواهد شد .

### ۳.۳. اهداف توسعه اقتصادی در جامعه اسلامی و تناقض

#### آن با نگرش غربی

شهید دکتر بهشتی اهداف جامعه اسلامی در بخش اقتصاد را که در اصل ۴۳ قانون اساسی نیز به آن توجه تام شده است چنین بر می شمرد :

۱. مبارزه با فقر و تأمین نیازهای اساسی هر فرد در پرتو کار خلاق خود و ارزش افزوده ای که در جامعه تولید می کند .
۲. آزاد نگه داشتن بخشی از وقت هر انسان ، برای اینکه فرصت مناسب برای خود سازی رشد انسانی و تعالی معنوی داشته باشد .
۳. اعتدال در مصرف ، مبارزه با اسراف و نفي هر نوع اقتصاد تخریبی نسبت به امکاناتی که خداوند در طبیعت برای زندگی انسان ها در اختیار همه ما قرار داده است .
۴. حفظ آزادی انسان در رابطه با عامل اقتصاد
۵. تأکید به استقلال اقتصادی کشور
۶. تأکید بر تکامل فنی و صنعتی
۷. برقراری عدالت اقتصادی (۸)

این اهداف را مقایسه کنید با اهداف و روشهای اقتصادی در تمدن غربی که برای رسیدن به این اهداف علم اقتصاد و نسبت‌های مالی تکامل پیرا کرده است :

۱. مصرف بیشتر برای تولید بیشتر ( تمدن اسراف و تبذیر ) و دامن زدن به این امر با تبلیغات و استفاده از گرایش به مد و کم کردن عمر محصولات
۲. استثمار منابع کشورهای جهان سوم در جهت رشد اقتصادی
۳. کم کردن ساعات کاری و افزایش اوقات فراغت برای کسب حداکثر لذت و ارضای نفسانیات
۴. ایجاد حداکثر مطلوبیت ( ارضای نفس ) در مصرف کننده و برده کردن انسان ها در مقابل پول

شاید به همین دلیل است که مرحوم دکتر حسین عظیمی در مقاله پیشنهاد خطوط اساسی الگویی برای برنامه ریزی در ایران بر اساس اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بحث حداقل از دو نظر گاه زیر با الگوهای متداول برنامه ریزی متفاوت خواهد بود :

الف : نرخ رشد اقتصادی در مدل برنامه ریزی متناسب با قانون اساسی متغیری درونی است ، در حالیکه نرخ رشد در الگوهای متداول برنامه ریزی حداکثر رشد اقتصادی قابل حصول معمولاً به عنوان هدف عمده برنامه کلان تعیین و به عنوان متغیری بیرونی به الگو داده می شود . بر اساس اصول قانون اساسی ، اقتصاد وسیله است و هدف نیست ، لذا رشد اقتصادی تا آن حد مطلوب و مورد نظر است که اولاً بتواند حد مناسب مصرف جامعه را تعیین نماید و ثانیاً در جهت استقلال اقتصادی و ایجاد اشتغال مولد باشد لذا در الگوی برنامه ریزی ایران باید با توجه به عوامل اقتصادی پیش بینی شده در قانون اساسی ، نرخ رشد لازم در درون الگو محاسبه گردد بدین صورت نرخ رشد ، متغیری درونی است و متغیر سیاستگذاری نیست .

ب : در الگوی برنامه ریزی ایران باید مسئله توزیع درآمد و ثروت مستقیماً و به عنوان جزئی مهم از الگو مطرح گردد . ( ۵ ) دیدگاه مایکل تودارو در چاپ دوم کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم در این زمینه قابل توجه است . او با استناد به تحقیق سه نفر از کارشناسان برجسته بانک جهانی یعنی اهلا و الیا ، کارتر . چنری که در سال ۱۹۷۹ صورت پذیرفت و در شماره ۶ نشریه development economics به چاپ رسیده ، نتیجه می گیرد که رشد تولید ناخالص ملی و افزایش در آمد سرانه به خودی خود کوچکترین تضمینی در زمینه کاهش فقر و برخورداری آنها از دستاوردهای رشد اقتصادی ارائه نمی کند . وی در چاپ چهارم کتاب خود ( سال ۱۹۸۹ ) به چند تحقیق جدیدتر اشاره می کند و می گوید اگر این سمت گیریه معکوس گردد و اولویت به توزیع عادلانه درآمدها و ثروتها داده شود ، اشتغال بیشتر ، بهداشت و درمان کاملتر ، تغذیه بهتر .... و سر انجام رشد بیشتر در تولید ناخالص ملی اتفاق خواهد افتاد . ( ۳ )

### ۴.۳. تنافر در بعد سیاسی، دموکراسی و قانون با ولایت

#### الهی و اخلاق اسلامی

اجمالاً می توان گفت تبیین مادی جهان و طبیعت، جامعه غربی را چنین ترسیم می کند: جامعه ای که در آن، همه چیز حول محور مادی و تمتع هر چه بیشتر از لذایذی که در کره زمین موجود است معنا شده و برای اینکه در این چمنزار بزرگ همه بتوانند براحتی بهره برند، یک قانون عمومی و دموکراتیک لازم است تا انسان ها را در عین برخورداری از حداکثر آزادی (ولنگاری) از تجاوز به حقوق دیگران باز دارد.

با این نگرش، اخلاق اصول ثابتی ندارد و تغییرات آن تابع مقتضیات زمان است و این، خود انسان است که این اصول را قرارداد می کند و بدین ترتیب گناه بی معنی می شود و بشرها می شود تا هر چه تمایلات نفسانی او اقتضا دارد انجام دهد. در این شرایط، طبقه اشراف و اعیان (ملأ و مترفین) هستند که بر مردم حکومت می کنند (نمونه بارز آن حاکمیت سرمایه از طریق شرکت های بین المللی در یک نظام واحد اقتصادی است).

این را مقایسه کنید با ولایت الهی که در آن، اداره جامعه با ارزش ها و اعتقادات اسلامی انجام می شود و اخلاق اسلامی مؤید رفتار انسان در حوزه این ارزشهاست که علاوه بر ناظر بیرونی، وجدان انسانی نیز مواظب آن است و در بعد اجتماعی نیز معیارها و ارزشهای خاصی معین شده که از حاکمیت سرمایه بر روابط اجتماعی جلوگیری شود. (۱۰ و ۴)

این نگرش تمدن غربی در حوزه های سیاسی و اجتماعی، در تلقی اقتصاد از اداره جامعه و روحیات حاکم بر آن و در نتیجه در تئوری های اقتصاد کلان کاملاً مؤثر بوده است.

علاوه بر مطالب فوق، ذکر دو نکته که در نظام اعتقادی اسلام اهمیت دارد ولی در تمدن غربی چندان مهم نیست - ضروری است:

**تقویت دشمنان اسلام:** شهید مطهری در کتاب «نظری بر نظام اقتصادی اسلام» چنین بیان می کند: در برنامه ریزی اقتصادی یک جامعه اسلامی برنامه ها باید به گونه ای سازماندهی بشوند که به هیچ وجه منجر به تقویت دشمنان اسلام نشود. (۹)

اگر ما در یک برنامه توسعه به این جنبه توجه کنیم، روش فعلی در صادرات نفت خام، مواد اولیه و بازگشت آنها به صورت فرآورده های با قیمت چند برابر از قبیل مواد شیمیایی، کالاهای

ساخته شده و... را ادامه نخواهیم داد. حتی اگر در کوتاه مدت نیز به ناچار به اینگونه عمل کنیم با آن از مواضع «اکل میته» روبرو می شویم نه اینکه استراتژی صادرات خود را بر این محور قرار دهیم. (۳)

**استقلال اقتصادی:** یک اقتصاددان آمریکایی، یا انگلیسی و یا ژاپنی اصلاً چیزی به نام وابستگی آنطور که برای ما و کشورهای جهان سوم مطرح است، به ذهنش خطور نمی کند. برای اینکه اولاً با تکیه بر مجموعه توانایی های درونزای علمی و فنی، بخش اصلی نیازهای خود را که نیازهای سخت افزاری و نرم افزاری است در داخل کشورش تهیه می کند و در آن قسمت ها هم که نیاز به مواد خام یا انرژی یا چیزهای دیگر پیدا کند، چون پول ملی او جزء ارزش های مساط است، اصلاً احساس نمی کند که در یک بازار غیر خودی معامله می کند. اما در نظام ارزشی ما وضعیت کاملاً متفاوت است، مسأله استقلال و عدم وابستگی بسیار با اهمیت است و نمی توان به صرف عدم اهمیت آن برای کشورهای پیشرفته آن را نادیده گرفت. در برنامه پنج ساله اول گفته شد افزایش خود اتکایی صنعتی کشور از طریق افزایش واردات صورت می پذیرد. یعنی به زبان دیگر ما حساسیت چندانی برای مسأله آسیب پذیری درآمدهای نفتی و انواع وابستگی های علمی - فنی نشان نمی دهیم. در حالیکه با تکیه بر نگاه خودی، برنامه پنج ساله می بایست مهمترین عرصه برای اعلام جهاد علیه وابستگی باشد. (۳)

در برنامه ریزی اقتصادی یک جامعه اسلامی برنامه ها باید به گونه ای سازماندهی بشوند که به هیچ وجه منجر به تقویت دشمنان اسلام نشود.

### ۴. تفاوت وضعیت موجود در کشور ما با کشورهای غربی

#### و وابستگی روش های برنامه ریزی مورد استفاده به مبدأ

در ذیل وضعیت موجود کشور در مقایسه با کشورهای غربی و تأثیر آن در روش های برنامه ریزی در چهار حوزه فرهنگ، سیاست و اجتماع، علم و اقتصاد بررسی شده است:

#### ۱.۴. در حوزه فرهنگ

بر خلاف جوامع مذهبی که بنیان خانواده بر نکاح و یا عقد مذهبی استوار است، در غرب بنیان خانواده بر لذت بنا می شود و چون از سوی دیگر هیچ اصل اخلاقی و وجدانی وجود ندارد که بشر را از تنوع طلبی و هرزه جویی باز دارد، افراد خانواده نیز لذت خود را در بیرون از خانواده و همسر خویش جستجو می کند و بدین ترتیب تنها پیوند خانوادگی نیز از هم می گسند و خانواده از هم می پاشد. اکنون در غرب، خانواده بدین معنایی که ما اعتبار می کنیم وجود ندارد و سال هاست که بنیان این نوع عقد مذهبی از هم گسیخته است.

در خوردن و نوشیدن نیز بشر امروز در مغرب زمین به غایت به جز لذت نظر ندارد و تنوع گرایی و افراط در این زمینه نیز رواج بسیار پیدا کرده است. این تلون مزاج و تنوع طلبی در سایر وجوه زندگی بشر نیز وجود دارد، تا آنجا که وسایل ارتباط جمعی، رادیو و تلویزیون و روزنامه ها نیز مهمترین وظیفه خود را ایجاد تفریح برای مردم می دانند. در کشور ما بنیان خانواده بسیار محکم است و روشن است که برنامه های توسعه باید در جهت حفظ و تعالی خانواده گام بردارند.

#### ۲.۴. در حوزه سیاست و اجتماع

اربابان کنونی دنیا، در حقیقت، کارتِل ها و تراست هایی هستند که از طریق تجارت اسلحه و سینما، تلویزیون و اشاعه فحشا و ایجاد نیازهای مصرفی کاذب بر همه جهان حکومت می کنند. (۴) در کشور ما هنوز نفوذ شرکت های بین المللی کم رنگ است ولی در چند سال اخیر، حضور عده قلیلی که سرمایه های قابل توجهی را در کشور در اختیار دارند، مشهود است. در حوزه اجتماع، دموکراسی و ثبات سیاست ها در کشورهای غربی در اداره جامعه نقش مؤثر دارد (بهترین شکل حکومتی برای ارضای نفسانیت بشر). در کشور ما معماری والایی ترسیم شده است که هنوز در ابعادی، بلوغ اجتماعی لازم برای کارکرد درست آن ایجاد نشده است.

#### ۳.۴. در حوزه علم و تکنولوژی

غایت و آرمان بشر غربی تمتع بیشتر از حیات دنیایی به هر قیمت ممکن می باشد. با این نگرش واضح است که تکنولوژی،

محصول معجزه آسای علوم جدید، ابزار تحقق غلبه بشر بر طبیعت و محیط خویش، گردد و آزار و روش های تولید را به مرزی از پیشرفت برساند که هر چند سال نسلی نو از تکنولوژی های پیشرفته عرضه شود. هر چند غایت تمدن غربی، چنین قداستی به تکنولوژی داده است ولی بی شک در نظام ارزشی اسلام، بر مبنای اصل «واعدو لهم ماستطعتم من قوه» لازم است که بر پایه نیرومند ایمان به خدا، تکنولوژی روز را تسخیر نموده و آنچه را که تمدن مادی در آن عاجز است و منشأ بحران در مدیریت او گردیده به عنوان بهترین ابزار مقابله با این تمدن بکار گیرد. (۶)

صاحب نظران صنعت کشور بر این اعتقادند که کشور ما در تکنولوژی حدود ۲۰ تا ۴۰ سال از کشورهای غربی عقب است و در فرآیند توسعه فراگیر ضرورت توجه به بخشی مجزا در حوزه علم و در حوزه تکنولوژی ضروری است.

#### ۴.۴. در حوزه اقتصاد

با هر مسأله اقتصادی مانند مسایل فرهنگی و اجتماعی در سه سطح خرد، کلان و توسعه می توان برخورد کرد. در کشورهای توسعه یافته به علت اینکه مدت هاست موانع بنیادی را از سر راه توسعه کنار زده اند و در حقیقت از مسایلی در سطح توسعه عبور کرده اند، سیاست های پولی و مالی در واقع کاراترین و کلیدی ترین ابزارها جهت تحقق اهداف کلان به شمار می آیند و دولت ها در دوران بیکاری و رکود برای گسترش فعالیت های اقتصادی و در دوران تورم برای کنترل برخی فعالیتها از این ابزارها به شکل نسبتاً کارآمدی استفاده می کنند. در حالی که در کشورهای توسعه نیافته، این ابزارها توانایی های خود را حتی در سطح کلان از دست می دهند تا چه برسد به سطح توسعه.

برخی از مسایل کشور ما در سطح توسعه عبارتند از: عدم ثبات و امنیت (تغییرهای پی در پی در سیاست ها و مقررات اقتصادی، وجود انواع وابستگی ها به خارج در نظام اقتصادی، تولیدی، خدماتی، اتکا به نفت، تأثیر پذیری شدید از بلاهای طبیعی، تأثیر عوامل خارجی و سیاستهای بین المللی)، کمبود منابع انسانی (چه در سطح کارشناسان و تکنسین ها و چه در سطح مدیران)، محدودیت آمار و اطلاعات، محدودیت مربوط به اجرای برنامه جامع (بدلیل فقدان شرایط مناسب و منابع لازم) (۳)

زمینه ساز ناهنجاری های سیاسی - اجتماعی و متوقف کننده حرکت رو به پیشرفت آن در گذر تاریخی است .

مطالب فوق نشان می دهد که در کشور ما توجه به حل مسایل در سطح توسعه زیر ساز حل مسایل در سطح کلان و خرد خواهد بود و بدون حل این مسایل با تزریق پول و ارز ، مشکلات فنی و اقتصادی کشور حل نخواهد شد و استفاده صحیح از این منابع محدود به عمل نخواهد آمد .

علاوه بر مطالب گفته شده ، توجه به این بخش از فلسفه علم هم ضروری است که اساس کوششهای علمی بر ساده سازی قرار دارد . شما در فرآیند ساخت یک تئوری علمی ، ابتدا واقعیت ها را مشاهده می کنید و می بینید که ده ها و یا صدها عامل بر رفتارهای یک پدیده خاص تأثیر می گذارند . در مرحله بعد برای ساخت مدل براساس اهمیت و مقدار تأثیر می گذارند . در مرحله بعد برای ساخت مدل بر اساس اهمیت و مقدار تأثیر هر یک از این عوامل بر آن پدیده ، آن چند ده یا صد عامل را به دو یا سه عامل تنزل می دهید . وقتی که این ساده سازی در چارچوب مکانیزم های فعلی انتقال علوم و به ویژه دانش اقتصاد در اختیار کشورهای توسعه نیافته قرار می گیرد ، پیاده سازی به ساده اندیشی منتهی می شود . این سیستم های فکری و سیاستگذاری این کشورها سطحی نگری می شوند و به غلط تصور می کنند برای شناخت هر پدیده و عوامل مؤثر بر آن اتکا به یک یا دو عامل کفایت می کند و این خود موجب می شود تصمیم گیری ها سریع اتخاذ شود ولی در اجرا بطور مرتب با اتفاقات پیش بینی نشده روبرو می شود . ( ۳ )

#### لزوم تدوین روش برنامه ریزی و اختصاصی و منحصر به شرایط ویژه کشور

سعی ما در بخش های قبلی مقاله این بود که نشان دهیم روش های برنامه ریزی استفاده شده در تدوین برنامه های توسعه در سازمان مدیریت و برنامه ریزی متأثر از مبدأ و غایت تمدن غربی است که در عمل به نتایج زیر منجر شده است :

۱. حاکمیت منطق اقتصادی بر برنامه
۲. عدم توجه به حل مسایل در سطح توسعه
۳. توهم جهان شمول دانستن دستاوردهای فکری دیگران
۴. نگرش ابزاری ( امکانات سخت افزاری حدود دو تا سه برابر امکانات نرم افزاری )

تا این مسایل حل نشود استفاده از الگوهای رایج اقتصادی در کشور ما در سطح کلان نیز نتیجه مورد انتظار را نخواهد داد .

مرحوم دکتر حسین عظیمی در کتاب « مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران » بر این نکته تأکید می ورزد که : « اصول بدیهی مورد استفاده در علم اقتصاد در قرن هجدهم و نوزدهم اساساً متفاوت از این اصول برای کشورهای درحال گذر فعلی است ، این اصول بدیهی و اهم نکاتی که به صورت تلویحی محیط عمل به این اصول را برای کشور های غربی فراهم ساختند عبارتند از :

#### ۵.۴. اصول سه گانه

- رفتار انسان در حوزه امور اقتصادی بر اساس کسب حداکثر در آمد - سود صورت می گیرد .
- انسان ها در رفتار اقتصادی عقلایی عمل می کنند .
- وضعیت تولید از نظر مقدار سرمایه و روش های فنی تولید به گونه ای است که شرایط رقابت کامل یا وضعیت هایی بسیار نزدیک به این حالت در فرآیند تولید امکان پذیر است .

#### جمع بندی

- سلطه اقتصادی ناشی از برتری علمی - فنی قابل توجه ، در در کشور دیگری وجود ندارد .
  - زمان از حساسیت قابل توجهی برخوردار نیست و به هر حال آینده ، روشن و مطلوب است .
  - مردم هر چند فقیرند و به هر حال در گذشته نیز فقیر بوده اند و استانداردهای بهتری برای زندگی و مقایسه وضعیت در پیش روی ندارند .
  - سیر حرکت گذار تاریخی کند و بسیار تدریجی است .
- قانون مندیهی اولیه علم اقتصاد به نحوی که در شاخه های اقتصاد خرد و کلان ایجاد و توسعه یافته است عموماً متکی بر اصول بدیهی فوق است . این اصول بدیهی و شرایط فوق را مقایسه کنید با وضعیت فعلی کشور های در حال توسعه که رقابت کامل و یا شرایط بسیار نزدیک به آن قابل حصول نیست . سلطه اقتصادی ناشی از برتری علمی - فنی قابل توجه در کشورهای یگر وجود دارد . زمان از حساسیت قابل توجهی برخوردار است و روندهای موجود ، آینده روشنی نشان نمی دهد . وجود فقر گسترده در بستر عدم تعادل شدید توزیع درآمد ،



۶. مرعشی، سید جعفر چالشی نو در مقوله های اجتماعی، سازمان مدیریت صنعتی، سال ۱۳۷۶
۷. عظیمی، حسین مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، نشر نی، سال ۱۳۷۱
۸. شهید دکتر بهشتی، سید محمد حسین اقتصاد اسلامی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، سال ۱۳۶۸
۹. شهید مطهری، سید مرتضی نظری بر نظام اقتصادی اسلام، انتشارات صدرا، سال ۱۳۶۸
۱۰. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، اکبر، سیاست اقتصادی، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، سال ۱۳۷۱

بنابراین فرهنگ برنامه ریزی ما نمی تواند در موضوع، زمینه و روش های تحقیق مصرف کننده باشد، اگر ما به ضرورت مصرف کننده سخت افزارهای تکنولوژی مدرن در جهان امروز هستیم. نباید بی قید و شرط نرم افزارهای آنها را نیز وارد کنیم بلکه باید در این زمینه مولد باشیم، در بخش های اقتصادی توجه به روش برنامه ریزی و چگونگی عینیت بخشیدن به توسعه روابط بین انسان و جهان و انگیزه ها و تعلقات مربوطه لازم است. بنابراین باید برای دوره انتقال، طرحی نو در اندازیم و فرهنگ برنامه ریزی جدیدی برای نظام جمهوری اسلامی به ارمغان آوریم و این امر مستلزم بسیج همه جانبه نظام کارشناسی ماست. یعنی در حوزه و دانشگاه و در سازمان ها و مؤسسات تصمیم ساز ما باید جوشش تازه ای پدید آید و با انگیزه توسعه و تکامل پایدار نظام - که همان توسعه الهی است - به حرکت درآید که توسعه در توسعه یافتن اگر بقا داشته باشد الهی می شود. (۶)

**پیشنهاد:** برنامه ریزی فرهنگی بر مبنای نیازهای روحی و معنوی / عقلی و فکری / بدنی و جسمی با توجه به رده های سنی جمعیت کشور و جنسیت آنان مد نظر قرار گیرد و در راستای شکوفایی فطریات و تعدیل گرایز راهنمایی شود.

## منابع

۱. بهبودی، داوود بررسی مقایسه ای مدل های فرآیند برنامه ریزی، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، سال ۱۳۷۱
۲. دفتر اقتصاد کلان، روش های برنامه ریزی در برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی جمهوری اسلامی، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی، سال ۱۳۶۹
۳. مؤمنی، فرشاد کالبد شناسی یک برنامه توسعه، مؤسسه تحقیقات اقتصادی تربیت مدرس، سال ۱۳۷۴
۴. آوینی، سید مرتضی توسعه و مبانی تمدن غرب، مرکز حفظ و نشر آثار دفاع مقدس وزارت جهاد سازندگی، سال ۱۳۷۲
۵. عظیمی، حسین پیشنهاد خطوط اساسی الگویی برای برنامه ریزی در ایران بر اساس اصول قانون اساسی، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۶۳